

## در میزگرد کارشناسی «طبیعت ایران» مطرح شد «بیمه منابع طبیعی» نیازی مغفول در سیاست گذاری و اجرا

در شماره

فعلی نشریه طبیعت ایران با توجه به

اهمیت موضوع و دربرگیری گستره وسیعی از منابع طبیعی

کشور به بحث «بیمه منابع طبیعی» پرداخته ایم. در این گفت و گوی مفصل

نمایندگان ارگان‌های مرتبط با این حوزه گرد هم آمدند تا با واکاوی وضعیت فعلی

بیمه منابع طبیعی با شناسایی نقاط ضعف و قوت، مسیر بهتر و کوتاه‌تری را برای نیل به

اهداف افق توسعه این بخش ترسیم کنند. این میزگرد تخصصی با حضور آقایان مهندس رامین

امینی‌زارع، مدیر روابط عمومی و بین‌الملل صندوق بیمه کشاورزی، مهندس بابک میرزایی، معاون

اداره کل بیمه باغبانی و صندوق بیمه کشاورزی، مهندس علی‌اکبر موسوی، کارشناس مسئول منابع طبیعی

از صندوق بیمه کشاورزی، مهندس طالب امین‌پور، مجری زراعت چوب در کشور از سازمان جنگل‌ها،

مراتع و آبخیزداری کشور، مهندس فیاض از مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور و آقای علیجان پویا،

دبیر تشکل مرتع‌داران کشور و مرتع‌دار استان البرز برگزار شد. از آنجایی که صنعت بیمه موضوع مهمی در منابع

طبیعی است و با توجه به تغییرات اقلیمی و گرم شدن کره زمین با مخاطراتی همچون خشکسالی و افزایش دما

و تغییر الگوی بارندگی مواجه هستیم شایسته است به بحث بیمه در بخش کشاورزی و منابع طبیعی پرداخته

شود و ابعاد مختلف آن برای مسئولان و بهره‌برداران روشن شود.

طبیعت ایران: یکی از اهداف نشریه طبیعت ایران ایجاد فهم درستی از بیمه منابع طبیعی است. به همین منظور

این نشریه به نهادهای مختلف و مدیران ارشد و تعدادی از روزنامه‌فروشی‌ها در سطح شهر (برای

ارائه به آحاد مردم) ارسال می‌شود تا از این رهگذر فهم درستی ایجاد شده و تنگناها مورد بحث

قرار گیرد و سرانجام اقدام لازم برای بهبود شرایط و رفع مشکلات صورت گیرد. بنابراین

برای آغاز بحث ضمن بیان تعریفی از بیمه و پیشینه آن و از جمله بیمه کشاورزی

در جهان و ایران، وضعیت فعلی پوشش بیمه در کشاورزی و منابع طبیعی



مهندس بابک میرزایی



آقای علیجان پویا



مهندس محمد فیاض



مهندس طالب امین‌پور



مهندس رامین امینی‌زارع



مهندس علی‌اکبر موسوی

مرتج، جنگل‌کاری، نهالستان و زراعت چوب) را چگونه می‌بینید؟

مهندس رامین امینی‌زارع (مدیر روابط عمومی و بین‌الملل صندوق بیمه کشاورزی): در آغاز بهتر است تعریف روشنی از بیمه داشته باشیم و ببینیم این مکانیسم دقیقاً چه باید بکند و بعد ملاحظه کنیم که در نهایت به کدام سمت و سو می‌رود. در دنیا چه وضعیتی دارد و در این نقطه از جهان وضعیت چگونه است؟ برای ورود به موضوع بیمه کشاورزی بهتر است نگاهی کوتاه به پیدایش بیمه به‌طور کلی داشته باشیم.

بیمه در ایران قدیم و چین باستان منشأ داشته و بازرگانان، مال‌التجاره خود را بنا به عرف در چند قسمت تقسیم می‌کردند و به‌نوعی توزیع ریسک انجام می‌دادند و شیوه‌هایی نیز برای جبران خسارت‌ها داشتند.

اما بیمه‌ها به‌صورت نوین و به‌شکلی که هم‌اکنون در دنیا مطرح هستند، در قرن هفدهم و پس از آتش‌سوزی مهیبی که در لندن اتفاق افتاد (آتش‌سوزی بزرگ لندن، آتش‌سوزی بزرگی بود که مناطق مرکزی شهر از یکشنبه دوم سپتامبر تا چهارشنبه پنجم سپتامبر سال ۱۶۶۶ را دربر گرفت). در آن زمان قهوه‌خانه‌ای به‌نام لویدز بوده که بازرگانان در آن جمع می‌شده‌اند و مال‌التجاره‌ای را که قرار بود به سمت هندوستان و مستعمرات برود، در قالب تضمین، شرط‌بندی یا به‌صورت قول در صورت حادثه، جبران خسارت می‌کردند. یکی از اولین بیمه‌هایی که هنوز هم فعال است بیمه لویدز (Lloyd's of London) شرکت خدمات مالی بریتانیایی است که به‌عنوان یک کارگزار بیمه، در زمینه ارائه خدمات بیمه، بیمه اتکایی، بیمه عمر، مبادلات اوراق قرضه و مدیریت ریسک فعالیت می‌کند. این شرکت در سال ۱۶۸۸ توسط ادوارد لوید تأسیس شد و اکنون دارای بیش از ۲۵۰۰ شعبه در سراسر جهان است.

در ادامه روند شکل‌گیری بیمه، در قرن هجدهم و حدود سال ۱۷۷۰ در آلمان، این بیمه به شکل نوین به‌نام بیمه کشاورزی در مقابل عامل خطر تگرگ تسری پیدا کرد تا محصولات را بیمه کند. از همان ابتدا هم دولت حمایت می‌کرده است؛ چراکه اصولاً بیمه کشاورزی در جهان به‌عنوان یک وظیفه حاکمیتی شناخته می‌شود. انواع مختلفی از بیمه نظیر بیمه اموال، مسئولیت و اشخاص وجود دارد. ممکن است در برخی از این رشته‌ها حکومت‌ها، دخالت چندانی نکنند و مکانیسم بازار را عامل تعیین‌کننده قیمت بدانند اما در بیمه کشاورزی وضعیت فرق می‌کند و باید حمایت جدی دولت به‌صورت استراتژیک و راهبردی وجود داشته باشد. به‌عبارتی دولت نقش محوری در کنار مشارکت مردم دارد. یک نمونه از وعده‌های انتخاباتی در جمهوری هند، مربوط به نخست‌وزیر فعلی این کشور، آقای مودی است. این سیاستمدار هندی که از رهبران حزب هندو - ملی‌گرای حزب بهاراتیا جاناتا است در انتخابات وعده حمایت جدی از بیمه کشاورزی را داده بود و به‌میزان ۹۰ درصد از حق بیمه‌های کشاورزی را از طریق دولت هند که با مضایق مالی نیز روبه‌روست، تقبل کرد. در اصل توسعه بیمه کشاورزی و منابع طبیعی در این کشور یکی از محورهای اصلی حکومت است. مثال دیگری می‌زنم. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان اردوگاه کاپیتالیسم و سرمایه‌داری در جهان، وقتی به بحث امنیت غذایی می‌رسد که یکی از مهم‌ترین ابزارهای

تضمین و

حمایت آن بیمه

کشاورزی است، در اینجا کاملاً

سوسیالیستی فکر می‌کند و نقش دولت در آن

بسیار پررنگ می‌شود. در آنجا تشکیلاتی وجود

دارد که امیدوارم مشابه آن در کشور ما نیز تشکیل

شود. البته هدفم این نیست که عیناً همان الگو

را بگیریم بلکه با توجه به شرایط اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی میهن عزیزمان

از تجربه موفق آنها نیز استفاده

کنیم و روزی سازمان مدیریت

ریسک در کشور با اختیارات

و جایگاه مناسب قانونی تشکیل

شود. در ایالات متحده آژانسی به‌نام

RMA (Risk Management Agency)

وجود دارد که زیر نظر USDA یا همان

وزارت کشاورزی کار می‌کند. این آژانس

به‌طور کلی همه ریسک‌ها را شناسایی

می‌کند. در یک تعریف کوتاه و

خیلی ساده، ریسک عبارت است از «احتمال رویدادی ناخوشایند که با نبود قطعیت یا Uncertainty شناخته می‌شود». آژانس RMA تعیین می‌کند که چه ریسک‌هایی در سطح این کشور وجود دارد. مسئولیت مدیریت هر ریسک و اعمال پنج‌گانه‌ای که در مقابل ریسک در دنیا صورت می‌گیرد در RMA انجام می‌شود. اینجا مکانی است که تعیین می‌کند یارانه دولتی چقدر باید باشد. جالب توجه اینکه در هر روز به‌طور متوسط ۱/۶ میلیارد دلار یارانه برای حمایت از بخش تولید و کشاورزی (کشاورزی با منابع طبیعی پیوسته است) فقط در کشورهای عضو OECD صرف می‌شود. در کشوری نظیر ایالات متحده از سال ۱۹۲۶ (قبل از جنگ جهانی دوم) یک نظام مدون بیمه کشاورزی شکل گرفته است که هدف از تشکیل سازوکار این بیمه را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: «مدیریت بخشی از ریسک‌های مالی بخش کشاورزی با مشارکت کشاورزان». مثالی می‌زنم؛ همین الان که نعمت خداوند (باران پاییزی) نازل می‌شود به تبع آن بخشی از کشور را سیل ویرانگر تهدید می‌کند. مسئولیت این ریسک از کجا منشأ می‌گیرد؟ از نظر ما، ریسک در دو بخش وجود است؛ یک بخش مهم، ریسک‌های فنی هستند که باید با تقویت پوشش گیاهی و عملیات بیولوژیک و همچنین تلفیقی از کارهای زیستی سازه‌ای و بیومکانیک مدیریت شود تا از بروز خسارت سیل جلوگیری به‌عمل آمده یا



دست کم آثار زیان‌بار کمتری داشته باشد. این حیطة مسئولیت بیمه‌ها نیست بلکه متولی قانونی، مسئولیت آن را با مشارکت مردم بر عهده دارد. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش (طول و عرض جغرافیایی، موقعیت رشته کوه‌های سراسراز البرز و زاگرس، قرار گرفتن روی کمربند خشکسالی و کمربند زلزله) کشور پرریسکی محسوب می‌شود. از چهل نوع بلای طبیعی ثبت شده در سطح جهان، سی و یک نوع آن در ایران اتفاق می‌افتد. در رده‌بندی کشورهای پرریسک جهان از نظر وقوع بلایای طبیعی، رتبه کشور ما در دهه‌های گذشته ۱۰ بود



(این ریسک‌ها معمولاً مرتبط با بلایای قهری و طبیعی هستند). موضوع تغییر رفتار طبیعت و تغییر الگوی خسارات نیز به‌ویژه در دو دهه اخیر مطرح است. به‌عنوان مثال در زمینه مرکبات در خطه شمال کشور، براساس آنچه خبرگان محلی می‌گفتند در هر ۲۵ سال، یک‌بار خسارت سرمای زیر صفر درجه سلسیوس رخ می‌داد؛ یعنی خسارت سردرختی داشتیم که نشان‌دهنده خسارت زیر صفر بود و خسارت عمده‌ای نیز به‌بار می‌آمد. در سال‌های اخیر، این خسارت هر ۱۰ سال یک‌بار و حتی هر پنج سال یک‌بار شده است. پس دوره بازگشت خسارت کوتاه‌تر و میزان شدت و تواتر آن نیز بیشتر شده است. یعنی این اقلیم، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، دیگر اقلیم ۳۰، ۴۰ سال پیش نیست. دیگر نقاط دنیا نیز تغییر کرده است. می‌خواهم به‌گونه دیگری به این موضوع بنگریم. در دنیا موضوعی با عنوان «خسارت» و همچنین «ماشین تولید» وجود دارد. این ماشین تأمین امنیت غذایی در جهان در حال حرکت است و در مقابلش مانعی با عنوان خسارت نیز در حال حرکت بوده و نمی‌گذارد این ماشین که وظیفه امنیت غذایی و سیر کردن مردم را براساس هدف فائو (Zero Hungty) دارد، به مقصد برسد. چه‌کار باید کرد؟ در اینجا دو اقدام را می‌توان در نظر گرفت: اول، مستقیم و بلاعوض خسارات را پرداخت کرد. در گذشته به این شکل عمل می‌شده اما در دنیا هم دیگر سال‌ها است که این الگوی قدیمی منسوخ شده است. این‌گونه بوده که مثلاً در صورت بروز خسارت در فلان حوزه آبخیز، پولی جمع و پرداخت می‌کردند. از همین ابتدا به این راه منسوخ شده اشکال‌هایی وارد است: چقدر پول برای خسارت اختصاص دهند و چگونه درست و عادلانه توزیع کنند؟ همچنین اشکال دیگری که به آن سیستم کمک‌های مستقیم وارد است، مربوط به سطح پایین مبالغی است که به آنها پرداخت می‌شود. مثلاً مزرعه بزرگی خسارت می‌بیند و در آن سیستم به‌علت کثرت تعداد افرادی که خسارت دیده‌اند، دولت به هر کدام مثلاً ۱۰۰ هزار تومان پرداخت می‌کند. با این کار شأن، اعتبار و احترام تولیدکننده به‌عنوان شخصی که ذاتاً ارزشمند است به‌دلیل درخواست این وجه رعایت نمی‌شود. مشکل بعدی این است که این سیستم قابلیت پیش‌بینی ندارد چراکه مشخص نیست کجا سیل، طوفان و خشکسالی رخ می‌دهد. برای اجتناب از این مشکلات، در دنیا به‌سراغ سیستم دیگری از جبران خسارت رفته‌اند. سیستم دوم براساس بیمه شکل گرفته که یک امر مشارکتی محسوب شده و در اکثر نقاط دنیا نیز از مشارکت توأمان مردم و حکومت‌ها برخوردار است.

اصولاً مردم، مؤسسه بیمه‌ای و دولت سه رأس اصلی مثلثی هستند که می‌تواند مدیریت ریسک‌های مالی بخش کشاورزی را انجام دهد. مشابه الگوی مدیریت جامع حوزه آبخیز (Integrated Watershed Management-IWM) که با مشارکت مردم انجام می‌شود، در بیمه نیز وجود دارد. بانک جهانی الگویی را به‌عنوان یک الگوی قابل قبول در زمینه کمک‌های دولت‌ها در بخش کشاورزی و منابع طبیعی مطرح کرده که به سه قسمت تقسیم شده و برای تقسیم‌بندی نیز از سه رنگ زرد، قرمز و سبز استفاده کرده است. به‌طور کلی کمک‌های بسیاری در بخش کشاورزی انجام می‌شود. سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization-WTO) نیز تقریباً همین موضوع

درحالی‌که هم‌اکنون رتبه ایران به ۶ رسیده است! دو رخداد جهانی دیگر نیز کشور ما را متأثر کرده است. یکی بحث گرمایش جهانی (Global Warming) و دیگری بحث تغییر اقلیم (Climate change) است که تأثیر مهمی بر ایجاد خسارت گذاشته است. ما از ابتدا تا انتهای خط تولید را به‌عنوان بیمه کشاورزی نگاه می‌کنیم. وقتی طرحی بیان می‌شود بیشتر از همه به محاسن آن پرداخته می‌شود درحالی‌که در کنار توفیقات و محاسن آن، بیمه کشاورزی مشکلاتش را نیز نظاره‌گر است و تا جایی که بتواند جبران خسارت کرده و کمک می‌کند. در بیمه اصولاً ریسک‌هایی بیمه‌پذیرند که قابلیت سنجش داشته و کمیت‌پذیر (-quantitative) باشند. همچنین قابلیت پیشگیری از سوی کشاورزان را تا حد زیادی نداشته باشند

را مطرح می‌کند. برخی کمک‌ها در جعبه زرد قرار داده شده و تأکید شده که انجام نشود بهتر است. جعبه دوم قرمز است و مثالش همانی است که قبلاً عرض کردم. تنها موردی را که در جعبه سبز قرار داده و با مشارکت مردم و با امکان پیش‌بینی وجود دارد این است که در نظام بیمه کشاورزی ببینیم چه اتفاقی می‌افتد، حجمش چقدر است و چقدر منابع نیاز دارد؟ نظام بیمه کشاورزی، نظام مقبول جهانی بوده و تقریباً بهترین گزینه برای مدیریت بخش عمده‌ای از ریسک‌های مالی بخش کشاورزی و منابع طبیعی با مشارکت تولیدکنندگان است. در ایران نیز در سال ۱۳۶۲ متعاقب قانونی که در مجلس تصویب شد، یک سال بعد در خرداد ۱۳۶۳ اساسنامه صندوق بیمه کشاورزی با حضور افرادی خبره نوشته شد و در مجلس به تصویب رسید. نکته حایز اهمیت اینکه از جمله محدود مواردی است که اساسنامه نیز در مجلس تصویب شد. از سال ۱۳۱۶ قانون بیمه ایران وجود دارد که در آن به بیمه‌های کشاورزی نیز اشاره شده است. در این قانون مادر، اشاره به بیمه کشاورزی و خرمن شده است. مثلاً در بند سوم ذیل ماده ۲۲ این قانون، روش سنجش خسارت محصول زراعی شرح داده شده است. اما چون برای بیمه‌های بازرگانی سودآور نیست هیچ بیمه‌ای به دنبال آن نرفته است. در دهه پنجاه نیز اقداماتی در بیمه ایران صورت گرفته بود اما به صورت مدون در سال ۱۳۶۲ قانون آن مصوب و پس از تصویب اساسنامه در سال ۱۳۶۳، بیمه کشاورزی شروع شد. باید یک بازبینی داشته باشیم که از سال ۱۳۶۳ تا الان چه کارهایی در این زمینه شده، در چه وضعیتی است و به کدام سمت حرکت می‌کند.

پنبه و چغندر قند، اولین محصولاتی بودند که در استان گلستان فعلی که آن موقع جزو استان مازندران محسوب می‌شد، بیمه شدند. تیم‌های مختلفی آمدند و بررسی و مطالعه تطبیقی کردند. به عبارتی بررسی کردند که در دنیا چه می‌گذرد؟ (گفته‌اند جهانی فکر کن و منطقه‌ای عمل کن). کشور ما با نقاط دیگر فرق می‌کند. از نظر نظام بهره‌برداری، وضعیت کشاورزی سنتی و غیره متفاوت است. با توجه به تجربه‌های جهانی در سطح پیشرفته و تلفیق آنها با وضعیت بومی ایران، نظام بیمه کشاورزی متولد شد. از همان ابتدا این فرض مسلم بود که منابع طبیعی به‌عنوان بستر حیات بوده و بسیار مهم است. بنابراین بیمه با سازمان تخصصی آن که سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، دفتر فنی مرتع و غیره بود، وارد کار شد.

از روز نخست که بیمه منابع طبیعی در ایران تشکیل شد به‌عنوان یک مثلث سه رأسی در نظر گرفته شد. بیمه منابع طبیعی هم‌زمان با بیمه کشاورزی شروع به‌کار کرد ولی اجرای آن با چند سال فاصله آغاز شد. در بیمه سه رأس مثلث داریم که رأس محوری آن بهره‌بردار است و در اصطلاح بیمه به آن بیمه‌گذار می‌گویند (کسی که حق بیمه پرداخت می‌کند). کسی که بیمه می‌کند را بیمه‌گر می‌گویند. پولی که بیمه‌گذار پرداخت می‌کند حق بیمه بوده و پولی که به بیمه‌گذار از طرف شرکت بیمه داده می‌شود غرامت نام دارد. ملاحظه می‌کنید که از همان ابتدا در رأس مثلث، تولیدکننده قرار دارد. در تمام جلسات مرتبط با بیمه از حضور اتحادیه‌ها و تشکل‌ها بهره گرفته شده یا در مواردی کشاورزان خبره دعوت می‌شدند تا برای تعیین تعرفه و

## بیان نیازها و

خواسته‌هایشان اظهار نظر کرده و مشارکت داشته باشند. در بخش زراعت و تولید محصولات کشاورزی استراتژیک که قوت مردم به آن وابستگی دارد، به‌نظم باید ملاحظات زیست‌محیطی و حفظ منابع طبیعی در تمام موارد در نظر گرفته شده و سپس تولید انجام شود. در باغبانی نیز از تولید سیب تا پسته و انواع گیاهان زینتی زیر پوشش بیمه است. در زمینه دام، طیور و آبزیان، مرغداری‌های کشور تماماً زیر پوشش بیمه‌اند. حدود یک میلیارد قطعه ظرفیت طیور کشور زیر پوشش بیمه قرار دارد که برابر است با جوجه‌ریزی کل کشور. در این زمینه، با وقوع بیماری آنفلوآنزای پرندگان، بیمه نقش خود را به‌خوبی ایفا کرد و توانست با کمترین تنش و بدون کاهش جدی تولید در سطح جامعه، این ریسک بالا را به‌طور مؤثری مدیریت کرده و جبران خسارت کند. همچنین کانون‌های آلوده را ریشه‌کن کرد تا بتواند تولید را استمرار دهد. در ارتباط با مرتع، باید دام سبک را هم در نظر گرفت. دام سبک از سال ۱۳۷۴ زیر پوشش بیمه بوده و اکنون طرح‌های جدیدی برای این بخش در نظر گرفته‌ایم. تفاهم‌نامه‌ای با سازمان امور عشایری و اتحادیه عشایری دامداران متحرک ایرانیان داشتیم و قرار شده دام عشایری در سطح گسترده‌ای از پوشش حمایتی بیمه برخوردار شود.

یکی از قوانین بیمه، قانون اعداد بزرگ (Large Number Low)

است که براساس آن تعداد زیادی از تولیدکنندگان در سطح گسترده‌ای زیر پوشش بیمه قرار می‌گیرند تا اگر عده کمی خسارت دیدند بتوان از محل حق بیمه‌ای که از آنها دریافت می‌شود، غرامت را پرداخت کرد. در این میان دولت هم مشارکت دارد. اکنون بیش از نیمی از حق بیمه‌ای که در کل ۱۵۳ فعالیتی که زیر پوشش بیمه است (و ایران در زمره اولین کشورهایی است که تنوع بیمه‌ای بالا دارد) توسط دولت تأمین می‌شود. امیدوارم که مسئولان محترم در تأمین اعتبارات هم بتوانند گام‌هایی بردارند و کمک کنند تا حکم قانونی برنامه ششم توسعه در تأمین اعتبارات، جدی‌تر به‌عمل برسد. همان‌طور که می‌دانید بیمه، اجباری نیست و یک مرتع‌دار می‌تواند محصول خود را بیمه نکند. تنها بیمه اجباری، بیمه طیور است. در مبادی تولید، جوجه یک‌روزه باید بیمه شود. ۳/۳ میلیون هکتار از سطح مراتع بیمه است. در کنار آن، طرح‌های عملیات اصلاحی مراتع حدود ۱۱ هزار هکتار است. طرح‌های بیولوژیک آبخیزداری، نهال‌کاری و بوته‌کاری نیز که توسط بخش خصوصی انجام می‌شود حدود پنج‌هزار هکتار است. جنگل‌کاری نیز که مورد حمایت است شامل هزار و ۳۰۰ هکتار می‌شود. در طرح‌ها چون بیمه اجباری نیست بالأخره تمایل خود بهره‌بردار هم وجود دارد و باید با مشارکت آنها، سطح بیمه را توسعه دهیم. یکی از اولویت‌های نظام کشاورزی در کنار بیمه زراعت، بیمه باغبانی و بیمه دام، بحث بیمه منابع طبیعی است. اعتقاد ما در بیمه کشاورزی این است که منابع طبیعی بستر



حیات است و باید منابع طبیعی خوب، مانا و پایداری وجود داشته باشد تا بقیه بخش‌ها هم بتوانند در سایر قسمت‌ها فعالیت کنند. در زراعت چوب هم دو درخت اکالیپتوس و صنوبر را زیر پوشش حمایتی داریم.

طبیعت ایران: اگر در مورد سطح زیر پوشش بیمه منابع طبیعی توضیحات تکمیلی دارید، بفرمایید.

مهندس بابک میرزایی (معاون اداره کل بیمه باغبانی و منابع طبیعی): خوشبختانه در صندوق بیمه برای تهیه آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی این ۱۵۳ مورد بیمه‌ای که فرمودند از نقطه نظرات کارشناسی متولیان بخش استفاده شد. بیشترین استفاده و هماهنگی هم در بخش منابع طبیعی بود. از سال ۱۳۷۵ استارت مطالعات بیمه‌پذیری مراتع زده شد؛ آن هم به این دلیل که در برنامه دوم توسعه اقتصادی کشور، صندوق بیمه مکلف شده بود که ۱۰ درصد از سرمایه‌گذاری مردمی در بخش منابع طبیعی را زیر پوشش ببرد که در برنامه سوم این میزان به ۵۰ درصد ارتقا پیدا کرد. در آن زمان بنده با هماهنگی و بحث و تبادل نظر با کارشناسان دفتر فنی مرتع به این نتیجه رسیدیم که اولین جایی که می‌شود وارد شویم بخش مرتع و تولید علوفه مرتعی است. تمام آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و حتی خطراتی که با تولید علوفه مرتع مرتبط بود در نظر گرفته شد. البته فقط می‌توانیم در بخش خطرات قهری و طبیعی وارد عمل شویم؛ چون براساس اساسنامه صندوق بیمه، مجاز به ورود در بخش خطرات قهری، طبیعی و خطرات خارج از کنترل انسان، هستیم. مثلاً در بخش آفات نمی‌توانیم وارد شویم چون سازمان حفظ نباتات متولی آن است. ولی در بخش مرتع به سه گزینه خطر رسیدیم که عبارتند از: سیل، تگرگ و خشکسالی. خشکسالی برای اولین بار در مجموعه صندوق بیمه بعد از بیمه جای در مراتع زیر پوشش قرار گرفته است. همان‌طور که مستحضر هستید اندازه‌گیری و تعریف خشکسالی، دشوار است. ما یک تعریف خشکسالی و یک تعریف تنش خشکی داریم ولی همه آنها را زیر عنوان خشکسالی جمع کردیم و

زیر پوشش قرار دادیم. می‌توان گفت بیشترین خسارتی که برای این بخش پرداخت شده مربوط به عامل خطر خشکسالی بوده است. مراتع را نیز به سه قسمت بیلاقی، قشلاقی و میان‌بند تقسیم کردیم که خوشبختانه استارت کار خیلی خوب زده شد و می‌توان گفت کار اصولی انجام شد؛ ولی متأسفانه به مرور زمان دچار ضعف شد. این اعدادی که آقای دکتر فرمودند رکورد‌های ما هستند. یعنی ۳/۳ میلیون هکتار مرتع الان متأسفانه به ۱/۷ میلیون هکتار رسیده است. بیشترین مراتعی که زیر پوشش بردیم مراتع قشلاقی است. یعنی چنین به نظر می‌رسد که نوع بیمه ما بیشتر برای مراتع قشلاقی یا بهره‌بردارانی که مراتع قشلاقی دارند مناسب‌تر است. از سال ۱۳۷۶ بیمه مراتع را با ۱۵ هزار هکتار شروع کردیم و به ۳/۳ میلیون هکتار رسیدیم. بعد از آن عملیات اصلاحی مراتع آغاز شد که شامل چند زیربخش از قبیل تبدیل دیم‌زارهای کم‌بازده، کپه‌کاری و بذرکاری، نهال‌کاری و غیره بود. در زیربخش مرتع، جنگل‌کاری‌های یک تا سه ساله،

سپس جنگل‌کاری‌های یک تا پنج ساله که توسط بخش خصوصی انجام می‌شود و جاده‌های جنگلی درجه دو، در زیربخش جنگل‌داری، عملیات بیولوژیک آبخیزداری شامل کپه‌کاری و بذرکاری و نهال‌کاری، در زیربخش آبخیز و در نهایت با درخواست سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (جناب آقای

مهندس

امین‌پور) زراعت

چوب شامل صنوبر و اکالیپتوس یک تا سه ساله را نیز زیر پوشش بیمه قرار دادیم. در این راستا تمام مطالعات و دستورالعمل‌های

مرتبط با هماهنگی و همکاری دفاتر مربوطه انجام شد. سطح فعلی زیر پوشش بیمه مراتع و عملیات اصلاحی، ۱/۷ میلیون هکتار است و سایر محصولات از جمله زراعت چوب متأسفانه در مجموع حدود ۱۶۱۲ هکتار است. به‌ویژه در زراعت چوب، میزان سطح بیمه‌شده بسیار کم است. برای مثال در سال ۹۷-۹۶ فقط چند هکتار زیر پوشش قرار گرفت. این مورد دلایل مختلفی دارد و بخشی از آن را آسیب‌شناسی کرده‌ایم که شاید مهم‌ترین دلیل آن وجود نگاه از بالا به پایین در کشورمان است. یعنی همان‌طور که شما فرمودید اگر این ضرورت و اهمیت وجودی بیمه را نتوانیم در مسئولان رده بالای کشور و در متولی بخش تقویت کنیم و به باور برسانیم قطعاً زیر مجموعه هم آسیب می‌بیند. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور جزو معدود سازمان‌هایی محسوب می‌شود که متأسفانه پیگیر طرح‌های ما به‌ویژه در چند سال گذشته نبوده است. تا مدتی با دفتر فنی مرتع ارتباطات خوبی داشتیم اما الان کمترین

ارتباط وجود دارد. پیگیری جدی هم از طرف این سازمان در مقایسه با مثلاً معاونت باغبانی وزراتخانه یا معاونت زراعت آن وجود ندارد. اگر احیاناً در هر یک از این زیربخش وزارتخانه اتفاقی بیفتد شما واکنش آن را سریعاً مشاهده خواهید کرد. برای مثال، امسال بحث‌های چالشی زیادی در هیئت‌مدیره صندوق بیمه درباره بیمه منابع طبیعی وجود داشت که حاصل آن متأسفانه حذف موقتی پوشش بیمه جاده‌های درجه ۲ جنگلی شد. با این اتفاق، شاهد هیچ واکنشی از طرف سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور نبودیم. حتی زمانی که مرتع را هم به‌عنوان اولین مورد زیربخش منابع طبیعی زیر پوشش قرار دادیم با مخالفت‌های زیادی در هیئت‌مدیره صندوق بیمه مواجه شد. زیرا از



ابتدا قول و قرارهایی در دفتر فنی مرتع گذاشتیم؛ از جمله اینکه مراعاتی را زیر پوشش می‌بریم که دارای دفترچه طرح مرتع‌داری هستند. حتی آنهایی را که پروانه چرا داشتند زیر پوشش نبردیم که آن هم به درخواست دفتر مرتع بود. برای اینکه، مرتع‌دارانی که دفترچه چرا دارند راغب بشوند تا طرحی پیدا کنند که دارای نظام بوده و قانون‌مند است. پس در مراعات مدیریت درستی در حال انجام است و گزارش‌های درستی تهیه شده و به‌طور مرتب به بیمه ارائه می‌شود. همه این‌ها کمک می‌کند تا یک بیمه اصولی و درست انجام شود؛ ولی به‌مرور زمان این اتفاقات نیفتاد.

حالا اتفاقات دیگری هم رخ می‌دهد. مسئولان صندوق بیمه در استان‌ها هم مسئولیت‌هایی داشتند و مثلاً رئیس سازمان بودند. این افراد بخش را می‌شناسند. وقتی در این باره بحث می‌کردیم می‌گفتند این مواردی که شما می‌گویید از جمله رعایت دقیق تاریخ چرا، تعداد دام مجاز و نظارت آن به‌درستی رعایت و انجام نمی‌شود. در حال حاضر دام‌ها در کشور در کجاست؟ مسلماً در مرتع است. زمان ورود و خروج به‌درستی رعایت نمی‌شود و بسیاری از مسائل دیگر. ما با این مسائل مواجه هستیم و نیاز داریم از متولی کمک بگیریم. با توجه به تخصص تحصیلی خودمان فقط تا حد مشخصی می‌توانیم وارد بحث شویم ولی برای اینکه این کار به‌درستی انجام شود متولی می‌تواند بسیار کمک کرده و از حقوق خود دفاع کند. شاید اصلاً مانع کار در سازمان می‌شویم که این‌گونه با ما برخورد می‌کنند.

اولین مراعاتی که زیر پوشش بردیم در استان سمنان بود. درخواست کردیم که همکاران سازمان بروند اندازه‌گیری کرده و میزان علوفه قابل بهره‌برداری را به ما اعلام کنند. حق بیمه‌اش براساس نرخ علوفه‌ای است که سازمان اعلام می‌کند و مقدار علوفه تولیدی همان سال در مقابل وقوع خطرات زیر پوشش بیمه قرار می‌گیرد. همان سال مقدار علوفه تولیدی را در برابر سیل، تگرگ و خشکسالی زیر پوشش بردیم تا اگر از آن مقدار بر اثر اتفاقات کاهش پیدا بکند، مابه‌التفاوت‌اش را پرداخت کنیم. پلات و اندازه‌گیری را هم که

بلد نبودیم به خود سازمان واگذار کردیم. اتفاقی که افتاد این بود که کم‌کم این تولید در سال‌های بعد بر اثر خشکسالی که در مناطق رخ داد کاهش پیدا کرد. مرتعی داشتیم که از ۳۵ کیلو بیمه کم‌کم به زیر ۱۰ کیلو رسید. سؤال این بود با این میزان تولید، تعریف شما از مرتع چیست؟ شما به چه اراضی و با چه تولیدی، مرتع می‌گویید؟ مرتعی که به زیر ده کیلو رسیده آیا قابل بهره‌برداری هست یا خیر؟ این‌ها بحث‌هایی بود که با دفتر مرتع داشتیم و متأسفانه هنوز جوابی نگرفته‌ایم. به‌مرور هم از زمان آقای اسکندری تغییراتی به‌وجود آمد که رابطه‌مان هم کم شد.

طبیعت ایران: اگر درست متوجه شده باشم ما یک متولی منابع طبیعی داریم و یک صندوق بیمه که ارتباط بین این دو دستگاه خیلی خوب شکل نگرفته است.

مهندس میرزایی: به‌مرور ارتباط بین صندوق بیمه و متولی منابع طبیعی کم‌رنگ شده است.

طبیعت ایران: برای بهبود ارتباط بین متولی منابع طبیعی و صندوق بیمه پیشنهاد شما چیست؟ آیا این موضوع ناشی از کم‌کاری است؟ برخی مسائل هم فنی هستند؛ شما آنها را چه‌طور تفکیک می‌کنید؟ و چه‌طور خسارت را به مرتع مدیریت نشده یا خسارتی که تگرگ یا خشکسالی به‌بار آورده، اختصاص می‌دهید؟ رابطه بین متولی منابع طبیعی و صندوق بیمه را چگونه برقرار می‌کنید؟

مهندس میرزایی: در رابطه با اینکه مرتع چه‌طور مدیریت می‌شود حقیقت این است که ما فرض را بر این گذاشتیم که متولی کارش را درست انجام می‌دهد و وارد این بخش نشدیم؛ چراکه تخصص ما هم نیست و یک سازمان دولتی طرف حساب ما است. با این فرض درواقع ما چشممان را مثلاً روی دام‌ها بستیم. از لحاظ آیین‌نامه و دستورالعمل هم همان‌طور که خدمتان عرض کردم با دفتر تخصصی مربوطه وارد صحبت و مذاکره شدیم. آنها بازخوردها را از بهره‌برداران گرفتند و نظراتشان را به ما منتقل کردند. بدین ترتیب آیین‌نامه و دستورالعمل مربوطه هم

تعیین شد. فکر می‌کنم در درجه اول نیاز داریم که با این دفاتر تخصصی کارگروهی تخصصی تشکیل دهیم و نماینده آنها هم حضور داشته باشد و آیین‌نامه و دستورالعمل‌هایی که الان وجود دارد مورد بازبینی و آسیب‌شناسی قرار گیرند تا ببینیم مشکل کار ما کجاست؟ اگر مشکل از ماست که خودمان باید آن را اصلاح کنیم و ما کاملاً آمادگی‌اش را داریم. ما سالانه بیش از هزار میلیارد تومان غرامت پرداخت می‌کنیم و بیش از صد و پنجاه مورد بیمه‌ای داریم. بنابراین از نظر صندوق، هیچ تفاوتی بین منابع طبیعی، دام و طیور، باغ یا زراعت وجود ندارد ولی ممکن است طی چند سال اتفاقاتی افتاده باشد که نیازمند بازنگری است. لازم است حوزه آموزش و اطلاع‌رسانی هم مرتبط شوند. چون همان‌طور که آقای مهندس نیز اشاره کردند بیمه کشاورزی اجباری نیست. ما نمی‌توانیم بیمه کشاورزی را اجباری کنیم ولی متولی خودش می‌تواند با استفاده از اهرم‌هایی

که دارد وارد عمل شود؛

نظیر تمدید دفترچه،

پرداخت نهاده‌ها

یا ارائه هرگونه

تسهیلاتی

به‌منظور

حفظ

تولید.



بنابراین نیاز هست که این کارگروه تشکیل شود و ما نیز از این اقدام استقبال می‌کنیم. اگر اجازه بدهید نحوه ارزیابی را آقای مهندس موسوی توضیح دهند.



مهندس  
علی اکبر  
موسوی (کارشناس  
مسئول اداره کل بیمه  
باغبانی و منابع طبیعی): بیمه  
منابع طبیعی با بیمه مراتع از سال  
زراعی ۱۳۷۷-۱۳۷۶ با ۱۵ هزار  
هکتار شروع شد و در سال زراعی  
۱۳۸۷-۱۳۸۸ به حدود سه میلیون و  
سیصد هزار هکتار رسید. اما در سال  
زراعی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ که آخرین سال  
آماري ما هست در حدود یک میلیون و  
هفتصد هزار هکتار از مراتع، بیمه بود. در

محاسبه حق بیمه در مراتع یا هر مورد بیمه نیاز به ارزش بیمه‌ای و ضریب خطر و هزینه‌های اداری داریم. در بحث بیمه مراتع ارزش بیمه از حاصل ضرب میزان تولید بر حسب کیلوگرم در هکتار، مساحت مرتع و ارزش هر کیلوگرم علوفه محاسبه می‌شود و ضریب خطر هم در این معادله، در شروع کار هفت درصد در نظر گرفته شده بود ولی در سال‌های اخیر براساس حجم غرامت‌های پرداختی به ۱۲ درصد رسید. هزینه اداری نیز هر ساله به پیشنهاد هیئت‌مدیره در مجمع صندوق بیمه تعیین می‌شود.

همان‌طور که آقای امینی اشاره کردند در صندوق بیمه، به‌طور میانگین ۵۵ درصد کل حق بیمه را دولت پرداخت می‌کند اما



در بیمه مراتع این مهم ۷۵ درصد است. هرچند در سال‌های اخیر از نظر مالی، دولت و صندوق بیمه در مضیقه بوده‌اند ولی با تلاش‌هایی که صورت گرفته در بخش مرتع و بیمه منابع طبیعی این میزان کمک دولت هنوز کاهش نداشته است. با این حساب نسبت پرداختی به دریافتی‌مان از ابتدا تا الان رقمی در حدود ۱۱/۱ است. به عبارتی ۱۱ درصد بیش از حق بیمه دریافتی، غرامت پرداخت کرده‌ایم. اما اگر این ضریب را نسبت به حق بیمه سهم بیمه‌گذار بسنجیم حدود سه برابر آنچه که از مرتع‌دار دریافت کرده‌ایم، پرداخت غرامت داشته‌ایم. موضوع مهم دیگری که در بحث بیمه مراتع با آن مواجه هستیم تفاوت عملکرد در بین استان‌ها است؛ به طوری که در برخی از استان‌ها مانند یزد تا ۹۰۰ هزار هکتار بیمه داریم و در برخی دیگر عملکرد صفر است. در استان سمنان از ابتدای شروع بیمه تاکنون همواره ۳۰۰ تا ۴۰۰

بیمه منابع طبیعی، ۹۹ درصد سطح بیمه‌شده مربوط به بیمه مراتع است.

در بحث بیمه و ارزیابی مراتع در سال‌های گذشته براساس دستورالعمل‌های بیمه از طریق پلات‌اندازی در سطح مراتع، میزان تولید قبل از ورود دام به مرتع اندازه‌گیری می‌شود و مرتع‌دار براساس مساحت مرتع و یکی از گزینه‌های انتخابی برای ارزش علوفه خود می‌تواند بیمه‌نامه خریداری کند. همچنین در زمان ارزیابی خسارت براساس پلات‌اندازی در مرتع، میزان درصدافت تولید محاسبه می‌شود و براساس آن بیمه‌گذار خسارت دریافت می‌کند. برای

هزار هکتار بیمه وجود داشته است. همچنین در استان‌هایی که ادارات کل منابع طبیعی و ادارات منابع طبیعی شهرستان‌ها پیگیر موضوع بوده و روابط نزدیکی با بیمه و بانک دارند شاهد عملکرد بیمه‌ای به نسبت مناسبی هستیم. به‌طور کلی استان‌هایی مانند یزد، سمنان، اصفهان و غیره (مراتع قشلاقی) عملکرد مناسبی داشته و در مقابل استان‌های بیلاقی عملکرد پایینی دارند. البته شاید حق دارند چون خطر وقوع خشکسالی در این استان‌ها پایین است. رابطه‌ای میان وقوع بارندگی و احتمال خشکسالی وجود دارد و هرچه بارندگی کمتر باشد احتمال وقوع خشکسالی بیشتر است. بنابراین استقبال در استان‌هایی نظیر سمنان، یزد و اصفهان بیشتر است و در استان‌های بیلاقی کمتر. در بخش مرتع که عمده فعالیت ما را شامل می‌شود سه خطر تگرگ، خشکسالی و سیل را زیر پوشش داریم. از زمان شروع بیمه تا الان، خشکسالی حدود ۸۵ درصد از غرامت‌های ما را به خود اختصاص داده و سیل و تگرگ در رتبه‌های بعدی بوده است. همان‌طور که در ابتدا اشاره شد کار بیمه را با پلات‌اندازی شروع کردیم و به‌مرور منسوخ شد؛ چون هم هزینه آن بالا بود و هم افراد متخصص این کار حضور نداشتند. از طرفی تولید در مرتع به زیر ۱۰ کیلوگرم رسید. همچنین بحث خسارت‌های مدیریتی نظیر دام مازاد مطرح می‌شد که قابل تفکیک از خسارت‌ها نبود. بنابراین براساس نظریه حال و انتقال در مراتع مناطق خشک و نیمه‌خشک در زمان بیمه‌گری میزان تولید معادل آنچه در دفترچه طرح ذکر شده در نظر گرفته می‌شود و در زمان ارزیابی خسارت مخصوصاً خشکسالی براساس میزان بارش نسبت به برآورد خسارت اقدام می‌شود و این رابطه به‌صورت خطی لحاظ شده است. به‌طور کلی در خصوص مشکلات موجود در بیمه مراتع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف- نبود احساس مسئولیت مرتع‌داران نسبت به مرتع خود، به طوری که یک بهره‌بردار مرتع، خود را دامدار احساس می‌کند تا یک مرتع‌دار. ب- نبود احساس مالکیت قطعی از طرف مرتع‌داران و تلاش در جهت حداکثر بهره‌برداری از عرصه با صرف کمترین هزینه نسبت به سایر بخش‌های کشاورزی. ج- آگاهی اندک مسئولان و کارشناسان بخش منابع طبیعی از

بیمه مراتع و شرایط آن در برخی از استان‌ها، د- کاهش شدید تولید در برخی از مراتع، به نحوی که میزان تولید در بسیاری از مراتع قشلاقی بر اثر خشکسالی‌های مداوم و چرای مفرط دام به حد چشمگیری کاهش یافته (زیر ده کیلوگرم علوفه خشک قابل بهره‌برداری در هر هکتار) و در واقع نیازمند قرق کامل هستند. ه- همکاری کم ادارات کل منابع طبیعی برخی از استان‌ها با مدیریت بانک و صندوق بیمه کشاورزی. و- استفاده نکردن ادارات کل منابع طبیعی از اهرم‌های موجود برای اجرای بیمه اجباری مراتع. ز- فقر فرهنگ بیمه در بین بیشتر بهره‌برداران بخش کشاورزی، به خصوص بخش منابع طبیعی.

در دنیا نیز بیمه مراتع و چراگاه‌ها وجود دارد. عمده خطری که در این مورد بیمه می‌شود عامل خشکسالی بوده و ارزیابی خسارت و بیمه آن براساس بیمه شاخص بارندگی و شاخص آب و هوا است. همچنین در برخی از کشورها در ارزیابی مراتع از شاخص سنجش از دور مانند NDVI استفاده می‌شود.

طبیعت ایران: آقای مهندس امین‌پور، اگر توضیحاتی در مورد بیمه زراعت چوب دارید، بفرمایید. در خصوص مطالبی که همکاران بیمه اظهار کردند نیز نظر خود را بیان کنید.

مهندس طالب امین‌پور (مجری زراعت چوب در کشور): ضعف ارتباط بین سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و بیمه باید مورد بررسی قرار گیرد. در واقع این گله‌ای که شما می‌کنید به حق است و بنده متأسفم که می‌فرمایید بیمه جاده‌های جنگلی حذف شده است. حال باید ببینیم که چه اتفاقی افتاده است؟ بخش منابع طبیعی کشور از اول با بودجه دولتی اداره شده و برخلاف سیستم پیشرفته کشورهای دیگر است که مشارکت در منابع طبیعی به صورت همه‌جانبه است. جنگل‌ها و مراتع ملی شده است. کسی که در جنگل و مرتع ما کار می‌کند چون حس مالکیت ندارد لذا هیچ تعلق بر عرصه‌ای که به او تحویل داده‌اند نیز ندارد. بخش دولتی هم به دلیل اینکه پول دولت در دستش بوده و خرج می‌کرده، انگیزه‌ای برای این نوع فعالیت‌ها مثل بیمه‌پذیری که بحث حمایتی هست، نداشته

است. بیمه در فعالیت‌های مشارکتی یک ابزار حمایتی و پشتیبانی محسوب می‌شود. در منابع طبیعی کشور چون فاز مشارکتی ضعیف بوده قطعاً با این بخش هم ضعیف برخورد شده است. مرتع‌دار ما حس می‌کند که مالکیت ندارد پس به دنبال چنین بحث‌هایی نمی‌رود. چون در آنجا سرمایه‌گذاری نمی‌کند بنابراین منتظر است بارانی بیاید تا اگر علوفه‌ای بود برداشت کند و اگر هم نبود برای تعلیف دامش برایش علوفه می‌خرند یا خودش می‌خرد. مشکل برنامه‌ریزان این است که در کشور ایران در بخش‌هایی نظیر منابع طبیعی که بستر توسعه است هنوز افکار بنیادین و اصولی نهادینه نشده است. فردی که در بستر

توسط دولت نمی‌بینید. ۸۰ تا ۸۵ درصد اراضی، شخصی است. این اراضی ملی که زیر پوشش درآمده‌اند، باز هم متولی آن خصوصی است. در واقع براساس ماده ۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری به وی داده شده است. لذا بستر خوبی برای توسعه صنعت بیمه در این حوزه وجود دارد. در بازه سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ این امر را انجام دادیم ولی از آن سال به بعد بنده هم قبول دارم



توسعه یعنی منابع طبیعی در حال کار است و در واقع ذی‌نفع یا صاحب عرف آن هم هست باید چه بخشی از کار را برعهده بگیرد؟ متولی منابع طبیعی چه بخشی از کار را باید عهده‌دار شود و بخش‌های حمایتی چه بخش‌هایی را؟ این امر مهم هنوز تدوین نشده است. احساس می‌کنم که باید ارتباط دوطرفه باشد و تمام حرف‌هایی که شما زدید درست است. بنده کسی بودم که برنامه زراعت چوب را در سال ۱۳۸۴ طراحی و برنامه‌ریزی کردم و شخصاً با صندوق بیمه تماس گرفتم و متعاقباً به اتفاق آقای میرزایی و آقای مهندس برزویی به استان‌ها رفتم و نسبت به تهیه طرح توجیهی برای بیمه‌پذیری اقدام شد. برحسب علاقه و اینکه می‌دانستم این فعالیت ذاتاً مردمی است اقدام کردم. فعالیت زراعت چوب برخلاف مدیریت جنگل و مرتع کاملاً مردمی است و شما هیچ ردی در خصوص عملیاتی کردن آن

که هیچ پیشرفت متناسبی در کار نداشتیم. طبیعت ایران: وقتی می‌فرمایید استقبال نیست و پیشرفت کم است، آیا خسارتی که به صنوبرها وارد می‌شود هم کم است یا اینکه زارع احساس نیاز نمی‌کند تا سرمایه‌اش را بیمه کند؟

مهندس امین‌پور: یک علت نبود فرهنگ‌سازی و آگاهی‌دهی است. کشاورز ما ممکن است اطلاعات کافی نداشته باشد. جالب اینکه از سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ زراعت چوب زیر پوشش بیمه قرار گرفت اما حتی متولیان





بخش‌های اجرایی مربوطه، اطلاع کافی از این موضوع نداشتند و نمی‌دانستند که این کار بیمه دارد. وقتی بنده اعلام می‌کردم که زراعت چوب بیمه دارد موجب تعجب آنها می‌شد. این ضعف از کجا ناشی می‌شد؟ از نحوه گردش کار در سازمان نشأت می‌گرفت که آگاهی‌سازی و فرهنگ‌سازی نکرده بودیم. شما فقط نگاه نکنید که چرا این دستگاه حرکت نمی‌کند، بلکه باید حرکتش داد. همین‌طور که برای فعالیت‌ها دلسوزی دارید برای حرکت دادن نیز باید دلسوزی داشته باشید. شما خودتان بخشی از این حرکت هستید پس منتظر نشوید که حتماً بخش اجرا جلو بیاید بعد شما اقدام کنید. برخی بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های ابلاغی صندوق بیمه گاهاً به دست ما نمی‌رسد؛

یعنی این ارتباطات سیستماتیک نیست. رونوشت ابلاغیه‌های استانی را بخشی در سازمان متبوع و در مواقعی بخش اجرایی مرتبط دریافت نمی‌کند. برای بنده آن موارد مهمی که با زراعت چوب در استان مرتبط است و باید عملیاتی کنم، ارسال نمی‌شود. ارتباطاتتان را بخشی کنید. ما در کشور باید

فرهنگ معرفی تعیین رابط برای پیگیری برخی امور را کنار بگذاریم. شاید رابطی که می‌گذارند با افکار و برداشت خودش کار کند و نه با افکار و نیازهای بخش مرتبط اجرایی. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور بخش‌های مختلفی دارد بنابراین برای اثربخشی بیشتر، خودتان را به بخش‌های مختلف متصل کنید. نظرتان را در این خصوص بفرمایید و اگر نیاز هم بود جلسه اختصاصی و کارشناسی بگذاریم. اینکه فقط بنده نامه را ابلاغ کنم و خود استان پیگیری کند، می‌شود همین وضعیت موجود که اتفاق افتاده است. از استان گلستان به بنده زنگ می‌زنند و به ما می‌گویند آیا زراعت چوب بیمه دارد؟ و بنده پاسخ می‌دهم که بیمه دارد. ایشان اعلام می‌کنند که به صندوق بیمه استان مراجعه کردیم و گفتند زراعت چوب بیمه ندارد! این خود اشکال است که صندوق

بیمه استان در جریان نبوده و توجیه نیست. ما خودمان هم گاهی به‌عنوان صندوق باید به بخش اجرا در استان تلنگر بزنیم که حرکت بکند. توقع بنده این است که بخش صندوق در استان به این قضیه کمک کند. زمانی که شما چنین نامه‌ای را برای آنجا می‌فرستید، شعبه صندوق در استان این‌طور فکر نکند که چون از طرف اداره کل منابع طبیعی درخواستی نیامد پس کار زراعت چوب رها شده و پولش را به بخش دیگری اختصاص دهند. متأسفانه این اتفاق افتاده است. شما وقتی می‌گویید طبق جدول هشت هزار هکتار تعهد عملیاتی سالانه برای زیر پوشش قرار دادن زراعت چوب مقرر کرده‌اید،



پول غرامت‌های مصوب کجا رفته و برای چه کاری پرداخت شده است؟ برای چه موردی رفته است؟ در جیب چه کسی رفته است؟ برای چه چیزی رفته است؟ وقتی با هزار زحمت مکاتبه می‌کنید و پول جذب نشده است! این موارد را به چالش بکشید. چرا همایش سالانه برای توجیه کارهایتان نمی‌گذارید؟ چرا مسئولان بالادست را توجیه نمی‌کنید؟ مطمئن باشید اگر حذف جاده جنگلی را بیان کنید سازمان متبوع پیگیری می‌کند. این شما هستید که باید چالش‌ها را منتقل کنید و حرکت را ایجاد کنید. مملکت الان دچار چالش‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی شده است. تغییرات اقلیم اتفاق افتاده و هزینه‌های شما در حال افزایش است. به همان میزان طرف ما یا کشاورزان در حال ضعیف‌تر شدن است.

پس اهمیت این بخش بالا می‌رود. دولت باید در منابع طبیعی کشور خدمات حمایتی را افزایش دهد. در زراعت‌های فصلی و یک‌ساله طرف مقابلتان افراد برخوردار هستند ولی در منابع طبیعی طرف حساب ما بهره‌بردارانی با بنیه ضعیف مالی هستند. اگر ادعا می‌کنیم منابع طبیعی بستر توسعه است پس باید از شعار فراتر برویم. زراعت چوب تا دو، سه سال پیش فاقد توجه لازم بود، ولی اکنون با شروع طرح تنفس جنگل قرار است تا ده سال بهره‌برداری چوب تعطیل شود. واردات چوب دچار چالش شده و کسی با قیمت کنونی ارز چوب وارد نمی‌کند. تنها منبع مطرح در تأمین نیازهای سلولزی، بحث زراعت چوب است. صنعت الان در خطر تعطیلی قرار دارد. ۲۵۰ هزار نفر در این صنعت اشتغال دارند و دولت نمی‌تواند مستقیماً به اینها کمک بکند. پس باید از ابزارهای حمایتی مثل چتر بیمه بهره گرفت که می‌تواند مردم را تشویق به مشارکت کند. در برنامه ششم اعلام شده است که باید ۷۵ هزار هکتار زراعت چوب داشته باشیم که به‌طور متوسط می‌شود سالی ۱۵ هزار هکتار. این سطح کمی نیست ولی وقتی از ابزارهای تشویقی استفاده نشود کسی رغبت نمی‌کند که با ما کار کند. الان در باغبانی از هر جهت حمایت می‌کنیم. زراعت‌های یک‌ساله را نیز حمایت می‌کنیم و وام می‌دهیم. ولی زراعت چوب که خود یک نوع زراعت محسوب می‌شود به‌شدت از نظر ارائه ابزارهای کمکی و مشوق‌ها، ضعیف و فقیر است. وقتی بیمه وجود نداشته و تسهیلات هم در حد صفر باشد و هیچ خدماتی هم ندهیم نمی‌توانیم افراد را جذب این کار بکنیم. خواهش می‌کنم دست این فعالیت را بگریزد چراکه از اهمیت بالایی در کشور برخوردار شده است. صنایع چوب که میلیاردها تومان در سال‌های گذشته برایش خرج شده است باید سرپا نگه داشته شود. ما الان در حال صادرات امدی‌اف هستیم. آیا باید این صنعت ورشکسته شود؟ به چه دلیل؟ خواهش می‌کنم هم ما و هم شما بنشینیم راهکار پیدا کنیم و در وهله اول به دنبال فرهنگ‌سازی در میان مسئولان باشیم. مسئولان در بیمه منابع طبیعی توجیه نیستند و نتیجه‌اش همین است که فرمودید. این نتیجه و عملکرد شایسته نیست. باید برای حل

مشکلات و رفع موانع در کنار هم عمل کنیم. برنامه ریز ما در گذشته با پول دولت کار می کرد اما الان لاجرم باید با مردم کار کند؛ ولی هنوز بلد نیست و در حال به روز کردن خودش است. باید دستش را گرفت. باید بدانیم که چه طور مردم، جنگل نشینان و بهره برداران را وارد کارهایمان بکنیم. از این رو بخشی از هزینه فرهنگ سازی را شما به دوش بگیرید. همایش سالانه کشوری بگذارید و از مسئولان کشوری دعوت کنید. در کشور ما برنامه ریزی از بالا به پایین است و عادت به برنامه ریزی از پایین به بالا نداریم. حال که برنامه ریزی از بالا است پس ناگزیر برنامه ریزی را از بالا شروع کنیم. کشتکار زراعت خوب نمی داند که بیمه ای وجود دارد و برای صندوق بیمه محصولات کشاورزی استان هم مهم نیست که بخش منابع طبیعی به دنبال پولش بیاید یا نه. این ها را باید کنار هم بچینیم و راهکار بدهیم. این ها مشکلات این بخش است.

طبیعت ایران: آقای پویا، شما به عنوان یک مرتع دار بفرمایید چقدر مرتع دارید، چقدر از آن را بیمه کرده و در عمل با چه مشکلاتی برخورد کرده اید؟

آقای علیجان پویا (دبیر محترم مرتع داران کشور): بنده حدود دو هزار هکتار مرتع در استان البرز دارم و دبیر مرتع داران کشور هم هستم. در رابطه با دام سبکی که آقای دکتر فرمودند ابتدا یک گریزی بزنیم و بعد در مورد مرتع نیز صحبت خواهم کرد. در زمینه دام سبک در تعرفه جدید بر مبنای ۱۲۰۰ تومان، ۴۰۰ هزار تومان در نظر گرفتند که مربوط به خسارتی ناشی از مارگزیدگی، طاعون و تب برفکی است. این گرامت شامل بیماری آنزوتوکسمی یا علفی نیست. اما در بیمه تکمیلی این بیماری هم مشمول بیمه است. می گویند ۸۲۰۰ تومان بدهید و ما در مقابل اینکه ۲۵۰ رأس دام دچار علفی شده و تلف شوند به شما ۲۵۰ هزار تومان گرامت می دهیم. مثلاً شما هزار رأس دام دارید پس هشت میلیون و دویست هزار تومان باید حق بیمه بدهید در حالی که کیفیت واکسن ها بسیار پایین است. در جلسه ای که با حضور استاندار، مدیرکل و رییس دام تشکیل شده بود بیان

کردم با توجه به اینکه ما کار عملیاتی می کنیم کیفیت داروهایتان پایین است. متأسفانه دام به همین چند دلیلی که بنده عرض کردم بیمه نمی شود. چرا دام بیمه نمی شود؟ وقتی مراجعه می شود می گویند بودجه نیست یا اینکه مثلاً دو ماه دیگر یا شش ماه دیگر بیا.

مهندس امینی زارع: البته بلافاصله پرونده تشکیل می شود و پرداخت غرامت وابسته به پرداخت حق بیمه سهم دولت است.

آقای علیجان پویا: در جلساتی که بنده شرکت می کنم می گویند الان وضعیت خوب شده است. باز هم دامدار برای بیمه اقدام می کند و وقتی دام ها تلف می شود، در مراجعه دامدار به بیمه، مجدداً پرداخت نمی شود. اکثر جلسات در ارتباط با دام هست. در رابطه با مرتع صحبت های زیادی شد؛ از جمله اینکه بیمه مراتع بدون پلات گذاری انجام می شود. مثلاً می گویند مرتع داران به اداره

منابع طبیعی مراجعه کنند و آنهایی که طرح مرتع داری دارند فلان روز بیاید و نماینده بیمه هم می آید و فرمی را پر کرده، امضا می کنیم و مبلغی هم به حساب می ریزیم. اگر غیر این هست بفرمایید. منابع طبیعی اعلام می کند آنهایی که طرح مرتع داری دارند برای بیمه بیایند، برای مثال از لرستان ۲۰ طرح می آید از این طرف ۳ نفر می آیند و ۱۷ نفر دیگر نمی آیند. این وظیفه منابع طبیعی است که باید کلاس های آموزشی برای این افراد بگذارد و آنها را توجیه کند که اگر شما مرتع تان را بیمه کنید این حسن را دارد یا خواهد داشت. اما باید پرسید چه حسنی؟ بعد از وقوع سیل، همکار بنده، نماینده بیمه را به مرتع برده است. هزینه ای که نماینده بیمه برآورد کرده بسیار کمتر از هزینه واقعی است. با این تفاسیر کسی رغبت نمی کند که مرتع خود را بیمه کند. تمام این صحبت ها دارای سند و مدرک است. بنده قبول ندارم که بگوییم دامدار ما دام زیادی به مرتع می برد بلکه مدیریت چرا در مرتع در حال انجام است. بنده اجازه ندارم دام زیادی به مرتع ببرم و اگر این کار را بکنم، مرتع خودم خراب می شود. ورود و خروج دام، بنده باید به موقع

باشد که این مهم در حال انجام است. تعداد دام براساس طرح مرتع داری بوده و با پروانه چرا انجام می شود. مرتع داران عاشق مرتع هستند و می دانیم که مرتع، منبع حیات است. البته ممکن است دامداری به طور غیرمجاز وارد مرتع شده و آن را تخریب کند ولی توجه داشته باشید که این فرد، مرتع دار نیست، بلکه دامدار است. مرتع داران ما صد درصد مرتع را دوست دارند و در حفظ آن کوشا هستند. اصلاً با این حرف موافق نیستم که مرتع دار، مرتع را تخریب می کند. چرا مراتع بیلاقی کمتر بیمه می شوند؟ دلیل آن، این است که آسیب مراتع قشلاقی بیشتر است. بنده در این مدت اصلاً ندیدم که در مراتع بیلاقی کمبود علوفه داشته باشیم.



به همین دلیل مراتع قشلاقی آسیب پذیرتر هستند. مسلماً در مراتع بیلاقی برف و باران می آید و بر اثر رطوبت حاصل از آن، علف ها رشد می کنند و کمبود علوفه ای که در قشلاق دیده می شود در بیلاق وجود ندارد. پس به همین دلیل مراتع بیلاقی را بیشتر بیمه می کنند! بهار امسال اگر بارانی که قدری هم دیر بارید، نبود فاجعه می شد. در رابطه با مسئولان منابع طبیعی همان طور که عزیزان فرمودند، کسی دل به کار نمی دهد و رغبتی به کار ندارد. یا منابع را به بهره بردار واگذار کنید و سندی بزنید که او بداند چه چیزی بهره برداری می کند؛ یا اینکه اگر مال شماست و سند گرفتید، نگهداری آن با چه کسی است؟ منابع طبیعی و بهره برداران تلاش می کنند که حفظش کنند اما اگر سیل یا تگرگ آمد، بنده



نمی‌توانم جلوی آنها را بگیرم و اطلاعاتی هم ندارم که اگر تگرگ یا سیل آمد چه سودی به من و چه ضرری به منابع طبیعی و مرتع می‌رسد؟ خواهش بنده این است که در سطح کشور، جلسات بیشتری در درجه اول برای توجیه مسئولان و در درجه دوم بهره‌برداران، تشکیل دهید. ممنونم از وقتی که داده شد. صحبت دیگری ندارم.

مراتع و آبخیزداری کشور هم جزو وزارتخانه است. از لحاظ ارتباط بین سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و صندوق در گذشته این‌گونه بود که هر دفتری یک رابط داشت. در آن موقع آقای مهندس شوهانی نماینده دفتر فنی مرتع بودند و بعد هم آقای مهندس احسن‌پور بود که چندین سال است حتی به‌طور دوستانه هم ارتباطی نداریم. در دفتر مهندسی مرحوم آقای مهندس سمیعی حضور داشت. چون در دفتر طرح و برنامه آقای شجاعی از قدیم درباره

که ارتباطات و فرهنگ‌سازی وظیفه ما هم هست و ما هم این را قبول داریم؛ منتها بنده می‌خواهم دو بحث را مطرح کنم؛ یکی بحث اعتبارات و دیگری نیروی انسانی. الان ما در همین اداره باغبانی و منابع طبیعی بیش از ۶۰ محصول را زیر پوشش داریم. برای ۳۱ استان با این همه محصول در باغبانی و منابع طبیعی، کلاً پنج نفریم که تنها سه نفرمان رسمی بوده و بقیه از بخش خصوصی هستند. ما هم‌زمان هم رابط استانی و هم محصولی هستیم. هم در منابع طبیعی و هم در باغ کار می‌کنیم. در منابع طبیعی آقای موسوی به‌تنهایی کار می‌کنند.

در بحث اعتبارات هم فکر می‌کنم بیش از یک میلیون و ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر جزو بهره‌برداران ما هستند اما کل اعتبارات سالانه ما که در بحث اطلاع‌رسانی وجود دارد شاید به نفعی هزار تومان هم نرسد. این مبلغ حدود یک‌دوم یا یک‌سوم است که بسیار کم است. ما می‌خواهیم این کار را بکنیم اما نیروی انسانی و توان مالی آن را نداریم. به‌همین دلیل دست‌یاری به سمت متولی دراز می‌کنیم.

در سازمانی نظیر سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور ما به چهار بخش آن در حال خدمت‌رسانی هستیم. فکر می‌کنم این کمترین توقع باشد که سازمان با این همه پرسنل و امکانات بخواهد حرکتی انجام دهد. مثلاً هماهنگی را سازمان برگزار کند و ما هم شرکت کنیم. شما از ما دعوت کنید ما هم برای شما پانل بیمه می‌گذاریم و حتماً مشارکت می‌کنیم. توان مالی چندانی در مشارکت نداریم. در بقیه بخش‌ها هم همین‌طور. مثلاً در بخش باغبانی در جیرفت بنده را دعوت کردند و در آنجا سازه گلخانه را ارائه دادم. در مورد سایر بخش‌ها نظیر دام و طیور هم همین‌طور است. البته نمی‌دانم این مباحث کلان را می‌شود از طریق خود وزیر محترم پیگیری کرد یا خیر؟ در عین حال ما آمادگی همکاری و مشارکت را داریم. اگر مطلبی برای درج در بروشورها یا مجله خود سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور می‌خواهید ما می‌توانیم این مطالب را در اختیارتان بگذاریم ولی توان ما را هم در نظر بگیرید. وقتی به دام‌مازاد اشاره کردم روی سخنم تنها آقای پویا نبود بلکه بحث کلی



عملیات بیولوژیک پیگیری زیادی می‌کرد آن موقع زیرمجموعه جهاد بود و بعد که جهاد ادغام شد، آقای مهندس شجاعی که مدیرکل دفتر طرح و برنامه سازمان شد خودش ارتباطات را دست‌گرفت و یکی از کارشناسان خود به نام آقای مهندس قدرتی را به‌عنوان رابط بین صندوق و بیمه معرفی کردند تا تمام مکاتبات، تعرفه‌ها و دستورالعمل‌ها را به واحدهای زیرمجموعه سازمان ارسال کنند. پیشنهاد بنده این است که دوباره این رابطان معرفی شوند تا بتوانیم ارتباطات نزدیک‌تری داشته باشیم. آقای مهندس امین‌پور به‌درستی اعلام کردند

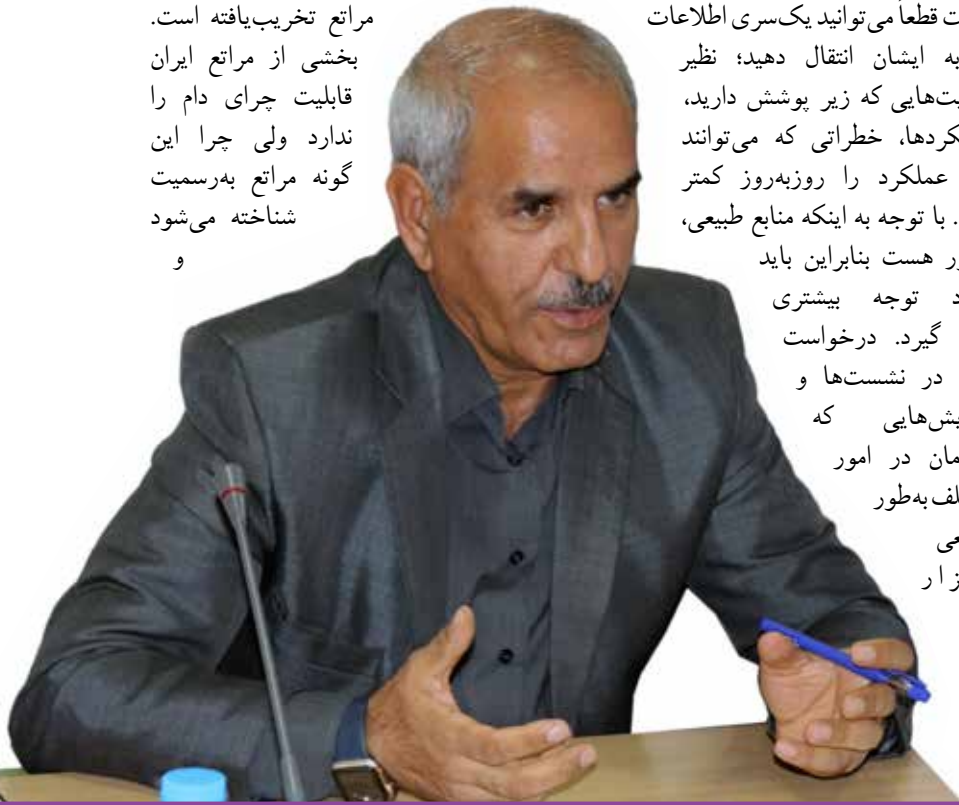
طبیعت ایران: از نظر تشکیلاتی، ارتباط صندوق با سازمان چگونه است؟ آیا فقط یک نفر رابط بین دو سازمان وجود دارد؟ چه پیشنهادی برای بهبود کار دارید؟ آیا وقتی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور این مطلب را می‌خواند به فکر اصلاح تشکیلات باشد؟ آیا هر بخش باید جداگانه رابط داشته باشند؟ با توجه به تجاربی که از معاونت‌های دیگر در بخش کشاورزی دارید پیشنهاد شما چیست؟

مهندس میرزایی: در مجموعه کشاورزی، سازمان جنگل‌ها،

است. ما در صندوق بیمه کشوری نگاه می‌کنیم. شاید این موضوعی که عرض می‌کنم در البرز اتفاق نیفتد، ولی این صحبت را از دوستان شنیدم که بیشتر دام مازاد در مرتع نگهداری می‌شود. همان‌طور که عرض کردم نوع بیمه ما این‌گونه که متوجه شدیم، مطلوب مرتع‌داران قشلاقی است. مرتع‌دار قشلاقی با این بیمه بیشتر عجزین است. سیل در مرتع بیلاقی به آن صورت اتفاق نمی‌افتد چون تراکم بوته بالا است و اگر هم اتفاق بیفتد در سطح کمی است. ضمن اینکه مرتع‌دار هم وظیفه ندارد که ماشین بیاورد و نیروی ما را برای محاسبه میزان گرامت ببرد. ما به نیروی خودمان پول می‌دهیم تا از ماشین خودش استفاده کند. البته ممکن است در اجرا اتفاقاتی هم بیفتد و بنده هم منکرش نیستم؛ از این جهت که اداره منابع طبیعی تنها یک روز را مشخص می‌کند. چون در تمام محصولاتمان دوره بیمه‌گری بین یک تا دو ماه است. جالب اینکه در مرتع، دوره بیمه‌گری مان شش ماه است. یعنی مرتع قشلاقی را می‌توانید از اول مهر تا آخر اسفند بیمه بکنید و هر زمان که مراجعه کرد باید بیمه‌اش کنیم؛ منتها مدت بیمه کم می‌شود، چون تا زمان ورود دام تا سال بعد در نظر گرفته می‌شود. اگر پانزدهم پاییز بیمه شد می‌تواند تا پانزدهم پاییز سال بعد باشد ولی اگر بیستم دی بیمه شود قطعاً از مدت یک‌سال آن کم می‌شود. در مراتع بیلاقی هم از اول فروردین تا سی‌ام شهریور می‌توانند مراجعه کنند و شش ماه مهلت دارند. یعنی تنها موضوع این نیست که شما یک‌جا تشریف داشته باشید و نماینده ما بیاید. ما شرکت کارگزاری داریم و حتی به بانک کشاورزی (مهندس داودی و همکارانشان) هم می‌توانید مراجعه کنید. شما به‌عنوان دبیر محترم می‌توانید فهرست مرتع‌داران را به ایشان ارائه کنید و بفرمایید که بنده امروز مثلاً با چهار مرتع‌دار هماهنگ کردم و هفته بعد شش نفر را برای بیمه آماده می‌کنم. قطعاً این هماهنگی می‌تواند انجام شود و ما در خدمتتان هستیم. ولی در مورد مراتع بیلاقی به‌غیر از این سه عامل خطری که خدمتتان عرض کردم اگر پیشنهاد دیگری دارید که بتوانیم نوع دیگری از بیمه را تنظیم کنیم این مهم را هم در خدمتتان هستیم و حتماً روی آن کار کرده و نتیجه‌اش را اعلام می‌کنیم.

طبیعت ایران: در جلساتی که بین دو تشکیلات برگزار می‌شود می‌توانید این موارد را مطرح کنید. مهندس امین‌پور: رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور خوشبختانه نسبت به توسعه بینش مشارکتی، نظر بسیار مثبتی دارد و با توجه به امکانات کمی که بنده از آن آگاهی دارم، پیشنهاد می‌کنم شما در قالب تفاهم‌نامه‌ای با سازمان متبوع موارد مطروحه را بیان کنید. در جلسه‌ای که با رئیس محترم سازمان خواهید داشت قطعاً می‌توانید یک سری اطلاعات را به ایشان انتقال دهید؛ نظیر فعالیت‌هایی که زیر پوشش دارید، عملکردها، خطراتی که می‌توانند این عملکرد را روزبه‌روز کمتر کنند. با توجه به اینکه منابع طبیعی، محور هست بنابراین باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. درخواست کنید در نشست‌ها و همایش‌هایی که سازمان در امور مختلف به‌طور مقطعی برگزار

مهندس محمد فیاض (رئیس بخش تحقیقات مرتع مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور): مرتع همیشه در چهارچوب حل مسئله بهره‌بردار دیده شده و از نظر سرمایه و ثروت ملی و کارکردهای محیط‌زیستی به مراتع توجه نشده است. مستحضر هستید که هزینه زیادی برای کنترل ریزگرد می‌دهیم اما دراصل منشأ بخش زیادی از ریزگردها، مراتع تخریب‌یافته است. بخشی از مراتع ایران قابلیت چرای دام را ندارد ولی چرا این‌گونه مراتع به رسمیت شناخته می‌شود و



بخش‌هایی از آن زیر پوشش بیمه نیز قرار دارد.

گفته می‌شود که مراتع زیر پوشش بیمه، اغلب مراتع قشلاقی هستند. مراتع بیلاقی با تصور اینکه مشکل کمبود علوفه ندارند زیر پوشش بیمه قرار نمی‌گیرند. موضوع این نیست که در مراتع بیلاقی تخریب صورت نمی‌گیرد بلکه وقتی بارندگی کاهش می‌یابد و خشکسالی روی می‌دهد، در این مراتع هم با حضور دام، تخریب تشدید می‌شود.

می‌کند از نماینده صندوق هم دعوت شود که مسائل بیمه را برای مسئولان و بهره‌برداران یا صاحبان عرف بازگو کند. این فاصله باید پر شود و این راهکاری است که بنده دارم.

طبیعت ایران: موضوع دیگری که لازم است در این جلسه به آن پردازیم موضوع تحقیقات در صنعت بیمه است. آیا تا کنون تحقیقاتی در این ارتباط انجام شده است؟ و چه چالش‌هایی را مؤسسه تحقیقات می‌تواند در برنامه‌های تحقیقاتی خود منظور کند و چه کمکی در این ارتباط می‌تواند انجام دهد؟



یکی از مهم‌ترین اشکال تخریب در این گونه مراتع، تخریب ذخایر ژنتیکی است. ترکیب گونه‌ای به سمتی می‌رود که گونه‌های مهاجم غلبه می‌کنند. در چنین شرایطی ثروتی را از دست می‌دهیم و وقتی با ساده‌سازی مسئله به موضوع فقط در قالب خسارت مالی نگاه می‌کنیم خسارت از دست دادن ذخایر ژنتیکی را محاسبه نمی‌کنیم. باید

دام مازاد؛ در صورتی که بیمه مراتع، امری اجباری شود، بیمه دام و مرتع همواره انجام شده و حذف دام مازاد از شروط بیمه باشد. انجام این مهم در قالب تفاهم‌نامه بین سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، صندوق بیمه کشاورزی و اتحادیه مرتع‌داران قابل پیگیری است. اگر فقط دام مجاز وارد مرتع شود می‌توان تأثیر عوامل محیطی را از عوامل بهره‌برداری تفکیک کرد.

قرار دارند، ابزار شناسنامه‌دار کردن دام‌ها می‌تواند برای کنترل دام مجاز در قالب بیمه مورد استفاده قرار گیرد.

وقتی صحبت از مشارکت می‌شود تقریباً دولت توان و بنیه مالی کافی را ندارد بنابراین یکی از راه‌هایی که می‌تواند در این مسیر به دولت کمک کند، پیدا کردن راه‌های عملی مشارکت مردم است. بیمه یکی از بسترهای مشارکت مردم محسوب می‌شود چون طرف مستقیم بیمه، مرتع‌دار و دولت به‌عنوان تسهیلگر است.

اگر دفتر امور مراتع به‌عنوان یک تسهیلگر به صندوق بیمه و مرتع‌دار کمک کند که در راستای نیل به اهداف حفظ، احیا و توسعه مراتع مشارکت بکنند و کمک‌های دولت هم در قالب پرداخت بخشی از حق بیمه مرتع باشد، که اکنون نیز این امر به‌نحوی انجام می‌شود، می‌توان امیدوار بود که نتیجه مطلوب‌تری برای مرتع، مرتع‌دار و صنعت بیمه به‌دست آید.



البته همان‌طور که اشاره شد مشکلاتی نیز وجود دارد. در دولت قبل طرحی تهیه و با توجیحات به رئیس جمهوری تحویل داده شد. در آن پیشنهاد مطرح شده بود که خشکسالی یکی از مسائل جدی مراتع در کشور محسوب می‌شود و دولت نیز در این میان پول زیادی از طریق ستاد بحران، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها هزینه می‌کند. در پیشنهاد طرح مشکلات روش کنونی توضیح داده شد. اینکه در فرایندی که این اعتبار هزینه می‌شود، جبران خسارت به‌درستی صورت نمی‌گیرد و عده معدودی که راهکارهای دریافت خسارت را می‌دانند از این اعتبار استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی با اینکه اعتبار دولت هزینه می‌شود، اما با وجود وارد شدن خسارت به مرتع و دام، نارضایتی اجتماعی نیز به‌وجود می‌آید. پیشنهاد شد ارائه و اجرای طرح تمرکز در توسعه صنعت بیمه مراتع، بر پایه روش‌ها و دستورالعمل‌هایی که تحقیقات ارائه می‌دهد، صورت گیرد. تحقیقات کمک می‌کند شاخص‌های صحیح محاسبه بیمه بر پایه

برای انجام این کار، باید دام شناسنامه‌دار باشد؛ پیشنهادی که مرتع‌داران در جلسات با دفتر امور مراتع مطالبه کردند. مرتع‌داران در گذشته برای دام دامداران نشانه‌هایی برای تفکیک داشتند؛ از جمله ایجاد شکاف یا برشی در گوش دام با رنگ کردن یا علامت خاص با فلز داغ روی صورت دام که در سال‌های اولیه صدور پروانه چرای دام این علائم در پروانه‌های چرای دام همراه با نام مرتع‌دار و مرتع درج می‌شد.

پیشنهاد می‌کنم در طرح کددار کردن دام‌ها که معاونت امور دام پیگیر اجرای آن است، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور نیز همکاری بکنند. این کد، اطلاعات کاملی نظیر اطلاعات جغرافیایی، نژاد و غیره را شامل می‌شود. تا زمانی که دام از چرخه خارج شده و به کشتارگاه می‌رود در این سیستم پایش می‌شود. با توجه به اینکه همه این امور زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی

بحث کارشناسی کرده و ببینیم که چگونه می‌توان این مهم را محاسبه کرد. به‌عنوان مثال ما یک گونه انحصاری اندمیک داریم که اگر محافظت نکنیم، بهره‌برداری‌ها آن را منقرض می‌کند. از این مشکل نباید غفلت کنیم. نباید با بیمه مراتع در این گونه مناطق برخورد انفعالی شود. باید دفتر امور مراتع، زمینه توسعه بیمه را در این مراتع فراهم کند. اتفاقاً در بهبود شرایط صنعت بیمه، مراتع بیلاقی فرصت بهتری است.

سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور به‌طور عام در منابع طبیعی و به‌طور خاص در مرتع از نظر قانون مسئول حفظ، احیا و توسعه مراتع است.

در این میان یکی از ابزارهای کارآمدی که می‌تواند به مراتع کمک کند، بیمه است. با کمک بیمه می‌توان چند مسئله مهم را که تا به حال حل نشده‌اند، حل کرد؛ از جمله

ارتباط بین بارندگی، تولید و شرایط محل با تأکید بر خصوصیات خاک و رطوبت آن در ۴۰۰ سایت معرف رویشگاه‌های اصلی مراتع با نصب باران‌نگار در محل طی یک دوره که نوسانات خشکسالی، ترسالی و میانگین آن تجربه شده بررسی و مشخص شود. این‌گونه زمینه اعمال سلیقه افراد نیز از بین می‌رود و از مخاطرات اخلاقی نیز پیشگیری می‌شود تا اطمینان حاصل شود خسارت به‌درستی محاسبه شده و منافع مرتعدار و دولت به‌صورتی صحیح لحاظ می‌شود.

بعد از حدود پنج‌ماه از دفتر ریاست محترم جمهور به سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت وقت نامه‌ای ارسال شد و بنده هم به‌منظور پیگیری، رونوشتی از نامه را دریافت کردم. نامه در شورای معاونین سازمان مدیریت مطرح شد و به‌دلیل مشکلات خشکسالی مورد استقبال قرار گرفت ولی پیگیری‌ها در مکاتبات اداری بین سازمان مدیریت، وزارت جهاد کشاورزی و صندوق بیمه به‌جایی نرسید! مجدداً موضوع از صندوق بیمه پیگیری شد تا با صندوق بیمه مشترکاً به راه‌حلی برسیم. از این‌رو با مدیریت و کارشناسان مرتبط در صندوق بیمه جلسات زیادی برگزار شد. مشکلی که در روش محاسبه بر مبنای فقط بارندگی وجود دارد این است که ایستگاه‌های هواشناسی با مرتع مورد نظر فاصله زیادی دارند و ناگزیر با محاسبه گرادیان بارندگی اعداد آن را محاسبه می‌کنند که این امر باعث خطا می‌شود. در پیشنهاد تحقیقات مطرح شد که باران‌نگار در محل نصب شود. چون رویشگاه‌ها به‌لحاظ شرایط خاک متفاوت بودند و هر بارندگی شرایط خاصی را در هر خاک داشته و به‌تبع آن تولید متفاوتی ایجاد می‌کند، بنابراین باید رابطه بین بارندگی و خاک را به‌دست آوریم. وقتی با صندوق بیمه صحبت کردیم به‌لحاظ بنیه مالی، توان کافی را برای پوشش دادن کل طرح نداشتند. از این‌رو با وزارتخانه مکاتباتی شد ولی در نهایت تأمین منابع مالی انجام نشد. البته مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور با توجه به بنیه مالی خود در چند استان این‌کار را به‌عنوان نمونه انجام داد. اکنون نیز در این‌باره چند مسئله پیش روی ما قرار دارد که یکی از آنها تغییر اقلیم

است. بررسی‌های مؤسسه نشان می‌دهد منحنی رژیم حرارتی، روند افزایشی داشته و نشانه‌های روند کاهش در آن دیده نمی‌شود. این شتاب در ده سال اخیر بیشتر شده و چند اتفاق را در عرصه‌های طبیعی ما رقم زده است. یکی اینکه رطوبت خاک سریع‌تر از دست می‌رود و کارایی بارندگی‌های اندک را کاهش داده و از بین می‌برد. این مسئله چه فعل و انفعالاتی در حوزه بیولوژیک ایجاد می‌کند و برای بیمه چه آثار و پیامدهایی دارد؟ باید بحث فنی عمیق‌تری در این زمینه انجام شود. اما در شرایط موجود باید حداقل به معیارها و روش‌های شناخته‌شده نزدیک شویم. مهم‌تر از همه، ایجاد باور در نقش سازنده بیمه به‌عنوان ابزار کمکی برای حفظ و اصلاح مراتع است. با توضیحاتی که آقای مهندس امینی‌زارع فرمودند تجربه‌های موفق در دنیا وجود دارد و می‌شود بر پایه آن عمل کرد. در ایران عمر بیمه در حوزه مرتع نزدیک بیست سال است. اگر در همه این نگاه و پذیرش ایجاد شود که می‌توان از بیمه به‌عنوان یک ابزار سازنده در کشور بهره برد در آن صورت جمع بیشتری درگیر چالش‌ها و تنگناهای پیش روی توسعه صنعت بیمه در حوزه منابع طبیعی می‌شوند. در شرایط فعلی فقط در صندوق بیمه یک نفر کارشناس درگیر این موضوع مهم است و این کافی نیست. با این حد اختصاص ظرفیت در کشوری به این وسعت، اصلاً نمی‌توان منتظر نتایج خوبی بود. بنابراین باید جمع بیشتری به این موضوع ورود پیدا کنند که بخشی از آن به مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور برمی‌گردد. تاکنون ۷ همایش در مورد مرتع و مرتعداری در کشور برگزار شده که مؤسسه یکی از دست‌اندرکاران آن بوده و با همکاری دانشگاه‌ها و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور برگزار کرده‌اند. البته در هیچ‌کدام از همایش‌ها، بیمه مراتع از محورهای اصلی همایش نبوده است.

با توضیحاتی که دوستان دادند همگی اتفاق نظر دارند که بیمه می‌تواند در شرایط فعلی کشور کارکرد مثبتی داشته باشد. پیشنهاد می‌کنم که در قالب یک نشست کارشناسی تخصصی، در مورد این موضوع بحث کنیم

و از مدیران هم بخواهیم که در این جلسات حضور داشته باشند تا ضمن مشارکت، به فهم مشترک و اجماع برسیم. همچنین بهتر است در مجله «طبیعت ایران» که برای نهادها، مدیران و کارشناسان ارسال شده و حتی در سطح روزنامه‌فروشی‌ها نیز عرضه می‌شود، بیشتر به این موضوع پرداخته شود. باید در رسانه ملی نیز با توجه به ملی بودن این موضوع، فرصت و برنامه‌های ویژه‌ای به آن اختصاص داده شود. بیمه هم باید این مطالبه



را از رسانه ملی داشته باشد.

در بخش تحقیقات، طرح را در ۷ استان اجرا کردیم و گزارش نهایی تهیه شده که نتایج به‌دست آمده برای آن هفت نقطه خاص قابل استفاده است.

مهندس امینی‌زارع: از اینکه برای این موضوع مهم از صاحب‌نظران و فعالان عرصه اجرایی دعوت کرده‌اید، تشکر می‌کنم. باید بیان کنم که تعبیر درست بیمه کشاورزی این است که بیمه کشاورزی یک سازمان یادگیرنده محسوب می‌شود. این سازمان دائم در حال یادگیری بوده و با برخورداری از کادری متخصص و کوشا در حال ارتقا است و خود را به مقتضیات بخش و تولیدکنندگان نزدیک می‌کند. برای اینکه بخواهد چیزی را به‌عنوان تعرفه (تولید یک فکر) ارائه کند، مدام نیازمند دانستن و آگاهی است تا بتواند تعرفه‌ای را ایجاد کند که بازارپسندی، مطلوبیت و مرغوبیت



بالایی داشته باشد. این هدف محقق نمی‌شود مگر اینکه ارتباط خوب و محکمی با تشکل‌ها داشته باشد. در زیربخش‌های مختلف تقریباً هر هفته با تشکل‌ها جلسه داریم. از آقای پویا به عنوان دبیر مرتع‌داران هم دعوت می‌کنم که حتماً این ارتباط را با ما داشته باشند و زمانی که تعرفه‌ها را می‌بندیم شما هم تشریف بیاورید. همچنین وقتی برای سال آینده تعرفه‌ها را بازنگری می‌کنیم از تشکل شما و تشکل‌های مشابه در حوزه منابع طبیعی نیز رسماً دعوت می‌کنم که حضور داشته باشید. اتفاق خوبی که در سه سال اخیر در بیمه کشاورزی رخ داده بحث شفافیت است. اگر بخشی شفاف باشد و به زوایای مختلفش نور بتابد، در آنجا اتفاق ناگوار اداری رخ نمی‌دهد. بیمه‌ها با مشکلی به نام مخاطرات اخلاقی مواجه

هستند که این معضل در مؤسسات مالی هم ممکن است اتفاق بیفتد. تنها ابزاری که از این معضل به‌طور سیستماتیک پیشگیری می‌کند، شفافیت است. جایی که شفاف باشد میکروارگانیزم‌های فساد در آن رشد نمی‌کنند. براساس همین تفکر از دو سال پیش سامانه‌ای را با عنوان سامانه جامع بیمه کشاورزی به‌کار گرفتیم. در این سامانه تمام تراکنش‌های مالی در سراسر کشور به‌صورت آنلاین رصد می‌شود. یعنی بنده الان با موبایلم می‌توانم ببینم که در سیستان و بلوچستان چند هکتار بیمه شد، حق بیمه چقدر گرفته شد، مربوط به چه کسی است و غیره. بنابراین برای ما به‌عنوان ناظر و مجری طرح، امکان رصد وجود دارد. در این سامانه تمام مبالغی که وارد شده و تمام وجوهی که خارج می‌شود (گردش مالی) شفاف است. حتی حسابرسی صندوق بیمه به‌صورت سنتی انجام نمی‌شود.

به‌جای اینکه حسابرس از ما سند و مستندات بخواهد، خودش می‌تواند با نام کاربری و گذرواژه وارد سامانه شود، در جریان گزارش قرار گیرد و تراز را مشاهده کند. این اقدام موفقیت ملی بزرگی است که به همه مردم تعلق دارد؛ چراکه قابلیت برنامه‌ریزی می‌دهد. لازم می‌دانم در مورد موضوعی که آقای پویا اشاره فرمودند توضیح بدهم. یکی از اهداف یا به‌عبارت دیگر آثار بیمه کشاورزی این است که بتواند باعث استمرار تولید شود. یعنی کاری بکند که به تعبیری کشاورز بر اثر خسارتی که دیده، بیلش را زمین نگذارد و بتواند به کار خود ادامه دهد. در بسیاری از کشورها بیمه‌ای که ارائه می‌کنند فقط یک خطر بوده و مثلاً بیمه برنج فقط در برابر خسارت تگرگ است. در بسیاری از مکانیسم‌های بیمه کشاورزی در جهان، خسارت‌هایی که شدت آنها پایین است بیمه نیستند اما وقتی جدی بود بیمه به‌صورت



اساسی وارد می‌شود. به این سیستم در دنیا بیمه حوادث فاجعه‌بار می‌گویند. در ایران هم الگوبرداری بومی از این روش انجام دادیم. که به زبان خودمان به آن بیمه پایه می‌گوییم. در بیمه دام سبک، یک بیمه پایه و یک بیمه تکمیلی وجود دارد. بیمه پایه خطرات زیر پوشش برای بز و گوسفند در سال زراعی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ شامل سیل و تگرگ بود. همین دو مورد سالانه خطرات زیادی ایجاد می‌کنند. سیل یک عامل خطر مهم است. سرما و یخ‌زدگی هم یک عامل زیر پوشش چتر حمایتی است. ما در خراسان جنوبی فیلم‌هایی از یخ‌زدگی داریم که بسیار وحشتناک است. صاعقه نیز یک عامل زیر پوشش حمایتی است که در اردیبهشت امسال، به‌کرات با آن مواجه بودیم. زلزله هم یک عامل زیر پوشش بیمه است. در زمین‌لرزه بیست‌ویکم آبان ۱۳۹۶ در مدت سه هفته یک میلیارد و ۴۰۰

میلیون تومان غرامت، فقط برای دام پرداخت کردیم. حوادث حاصل از حمل‌ونقل حین جابه‌جایی و تلف شدن دام بر اثر خشکسالی نیز از عوامل زیر پوشش حمایتی است که با تأیید ستاد خشکسالی پرداخت می‌شود. تلفات ناشی از مین که در مناطق مرزی با عراق بسیار اتفاق می‌افتد، آتش‌سوزی غیرعمدی، تخریب ناشی از عوامل قهری و طبیعی و بیماری‌های مختلف مانند تب برفکی، طاعون، آبله، سیاه‌زخم، مارگزیدگی، بیماری‌های قرنطینه‌ای و نوظهور با تأیید رسمی سازمان دامپزشکی کشور از دیگر موارد مشمول بیمه است. راه را باز گذاشتیم که برای پوشش برخی مسائل دیگر نیز بتوانیم از طریق بیمه تکمیلی اقدام کنیم. در برخی خطرات دیگر از قبیل مارگزیدگی، پرت شدن از کوه، حمله وحوش و بیماری‌های شاربن علامتی یا آنتراکس، آنروتوکسمی،

سالمونلوز، ذات‌الریه فوق حاد یا پنومونی یا نفخ کفی هم حق بیمه‌ای که برای هرکدام محاسبه شده، جالب توجه است. البته بخش اعظم رسالت ما در بیمه حوادث فاجعه‌بار است. در مقابل یک رأس گوسفند بالغ بر شش هزار و صد تومان حق بیمه محاسبه کردیم که از این مبلغ هزار و دویست تومان سهم بیمه‌گذار است. اما در مقابل چهار صد هزار تومان غرامت پرداخت می‌کنیم. در برخی از حوادث، لاشه قابل استفاده است که می‌تواند به خود دامدار برسد و در آنجا بیمه هیچ ادعایی ندارد. یعنی هم گوشت آن قابل استفاده است و هم غرامت به آن تعلق می‌گیرد. همچنین مقرر شده که سخت‌گیری نکنند و در جاهایی که صعب‌العبور است با تأیید حادثه توسط خود دامدار یا چهار، پنج نفر دیگر، ما بنا را بر صحت می‌گذاریم. در بیمه تکمیلی ۱۶ هزار تومان حق بیمه هر رأس گوسفند است که از این مبلغ پنجاه درصد آن همان‌طور که ایشان هم فرمودند سهم بیمه‌گذار است. اگر هم اتفاقی افتاد ۲۵۰ هزار تومان به‌عنوان غرامت پرداخت می‌کنیم. این موضوع برای دام روستایی و دام عشایر جدا است که بنده وارد آن نمی‌شوم. در پایان به‌طور رسمی اعلام می‌کنم که درب صندوق همیشه به روی تشکل‌ها باز است و از آنها دعوت و خواهش می‌کنیم که تشریف بیاورند و مشارکت کنند. قطعاً توفیقاتی که بوده براساس تحقیق به‌دست آمده است. مگر می‌شود بدون تحقیق و پژوهش کاری انجام داد.

از مراکز تحقیقاتی دعوت می‌کنیم که اگر طرحی در جهت بهبود کار دارند ارائه کنند؛ مانند طرح‌هایی نظیر شاخص بارندگی که می‌شود سطح‌های بسیار بزرگی را در حد چند صد هکتار با هم بیمه کرده و از هزینه‌ها و گرفتاری‌های اداری جلوگیری کرد و وقتی خسارت اتفاق افتاد با بالاترین دقت امکان پرداخت غرامت عادلانه و کافی وجود دارد.

همچنین از وقتی که به ما دادید و از شورای سردبیری و سردبیر و مدیرمسئول محترم و سرکار خانم مهندس رضایی و همگی تشکر می‌کنم. ما باز هم در قالب مقالات و گفت‌وگو آماده هستیم که در خدمتتان باشیم.

